



آقا این خرداد عجب ماهی است! از یک طرف آغاز فصل گرما و شروع عرقریزان در کنار راه نیفتادن کولرها و پنکها و از طرف دیگر هنگامه امتحانات پایان سال و به قول بچه‌ها خرخوانی‌های نفس گیر! یعنی در این هیروبیتر از بچه دبستانی‌ها تا شاخ شمشادها دانشگاهی که در طول سال معمولا به هرکاری غیر از تحصیل مشغولند با جزوه و کتاب و دفتر محسورند و معمولا از استادیوم و باشگاه و پارک گرفته تا مسجد و نماز جمعه و... این همراهی ترک نمی‌شود. اوضاع کنکوری‌ها که دیگر التماس دعایی است! حتما می‌رسید این اوضاع چهره‌بندی به ستون احکام دارد و چرا ما نیم ساعت اوقات فراغت شما را با یادآوری امتحانات کوفت می‌کنیم؟! از این که با این یادآوری، اوقات شریفان تلخ شد واقعا شرمند ایم، ولی اگر در خاطر مبارکشان باشد در چند شماره قبل اشاره کردیم که برخلاف تصور برخی‌ها دامنه احکام و دستورات شرعی، تمام حرکات و رفتارها و گفتارهای روزمره ما را دربرمی‌گیرد و جزئی‌ترین حرکت ما هم حکمی از احکام شرعی را داراست! با وجود این مسأله اگر قدری دقیق بشویم می‌بینیم همین امتحانات و مسایل حاشیه‌ای آن می‌تواند سوالات جدی شرعی را به همراه داشته باشد. از جمله این مسایل که متأسفانه یک مقدار و شاید بیش از یک مقدار! بعضی‌ها را درگیر می‌کند مسأله «تقلب» است.

پیام آوران

گزارشی از سوره مبارکه انبیاء
محمدحسین شیخ شعاعی

خداوند در پیروزی حق بر باطل، توحید بر شرک و لشکریان عدل و داد بر جنود ابلیس.

پیام گزیده‌ها

* روز حساب و کتاب مردم نزدیک شد اما آن‌ها انگار نه انگار، هم‌چنان از خدا روی گردانند. (آیه ۱)
* هر نشانه و پیام تازه‌ای برای آن‌ها فرستادیم تا حقیقت را یادآوری کنیم جدی نگرفتند و سرگرم کارهای بی ارزش خود شدند. (آیه ۲)

* کفار، دل‌هایشان مشغول و اسیر هوا و هوس‌هایشان بود و درگوشی به هم می‌گفتند: مگر او آدمی مثل ماها نیست؟! پس حالا که این را می‌دانیم چرا جذب کارهای ساحرانه او بشویم؟! (آیه ۳)

* اگر در در زمین و آسمان خداهایی غیر از خدای یگانه وجود داشت قطعاً دنیا دچار خرابی و تباهی می‌شد. (آیه ۲۲)

* هیچ کس قبل از تو (ای پیامبر) زندگی ابدی در دنیا نداشته است، اما انگار دشمنان گمان می‌کنند اگر تو از دنیا بروی و دیگر کاری به کارشان نداشته باشی آنها در دنیا تا همیشه باقی می‌مانند و مرگ و حسابی نخواهد داشت! (آیه ۳۴)

* همه بالاخره روزی می‌میرند، ولی در این چند روزه دنیا با رخدادهای خیر و شر، شما را آزمایش می‌کنیم و در نهایت همه‌تان به سوی من (خداوند) بازمی‌گردید. (آیه ۳۵)

اعمال شایسته فرد با ایمان نادیده گرفته نمی‌شود و خداوند همه چیز را ثبت می‌کند. (آیه ۹۴)

ختم کلام

رویارویی مردم با پیامبران‌شان حتی از لایه‌لای گفته‌های تاریخ‌نویسان درس‌ها و پندهای فراوانی دارد، اما بیان قرآن گونه‌ای ویژه از نقل وقایع است. در بیان قرآن، همه چیزهایی که اهمیت چندانی ندارند و به هدف اصلی مربوط نیستند کنار گذاشته می‌شوند تا شنونده تیزبین در آنچه می‌شنود به حواشی مشغول نشود و در عوض با دقت در همین تعبیرهای کوتاه به کشف جواب سوالات اساسی خود بپردازد.

نبوت، موضوع اصلی آیات این سوره است. سوره‌ای که ۱۱۲ آیه دارد. در مکه نازل شده است و مثل بیشتر سوره‌های مکی از عقائد دینی، مخصوصاً از مبدا و معاد سخن می‌گوید و تهدید و وعید در آن، از بشارت و وعده بیشتر است؛ این را از همان آیه اول که با لحنی تند و هشداردهنده از غفلت مردم سخن می‌گوید می‌توان حدس زد.

سپس به نبوت خاتم انبیاء و واکنش انکارکننده‌ها اشاره می‌کند که می‌گفتند: او ساحر است. دروغگو و شاعر است و هذیان می‌گوید.

خداوند به سرگذشت پیامبران گذشته اشاره می‌کند تا نشان دهد در طول تاریخ کسانی که تعالیم الهی را نمی‌پذیرفتند چگونه با پیامبران خود رفتار می‌کردند. سخنی از موسی و هارون، سرگذشتی از ابراهیم و اسحاق و یعقوب و لوط، و شرحی از نوح و داوود و سلیمان و ایوب و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل و ذوالنون و زکریا و یحیی و پیامبران دیگری که نامشان صریحاً در این سوره برده نشده ولی درباره آنها سخنی آمده است (مانند پیامبر اسلام و حضرت مسیح) و در مجموع از ۱۸ پیامبر خدا.

بعضی از پیامبرانی که در این سوره نامشان آمده در سوره‌های دیگر هم نام برده شده‌اند، ولی این سوره بیشتر به تنگنای سختی پرداخته است، که در آن گرفتار می‌شدند و این که چگونه دست توسل به دامن لطف حق می‌زدند و چگونه خداوند این بن‌بست‌ها را باز می‌کرد و نجاتشان می‌داد.

آن‌گاه با یاد یوم الحساب (روز قیامت) و آن‌چه که مجرمان و پارسایان در آن روز کیفر و پاداش می‌بینند همراه می‌شویم و این نتیجه‌گیری پایانی که: سرانجام خوب نصیب اهل تقوا و رعایت‌کنندگان احکام خدا خواهد شد.

در این سوره، از یکی بودن خالق، از آفرینش جهان که هدف‌مند و برنامه‌پایه‌ریزی شده است و نکات بسیاری از خلقت هستی و رازهای آشکار و پنهان آن گفت‌وگو شده که یکی از آن‌هاست: سنت همیشگی

یک حکم شرعی ناشناخته

برای آنان که

اهل تقلب هستند

روح الله حبیان

شاید با شنیدن این کلمه خاطرات تلخ و شیرینی برای شما تداعی شده باشد اما انصافاً هیچ وقت فکر کرده‌اید تقلب کردن یا تقلب دادن از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ آیا اصولاً این مسأله که برای برخی امری حیاتی است جدای از تبلور هوش و ذکاوت ایرانی، نشانه انحراف در رعایت مسائل شرعی هم هست یا خیر؟

واقعیت مطلب این است که تقلب از مسایلی است که فقها به آن پرداخته و ابعاد مختلف آن را بررسی کرده‌اند چون این مسأله جزو مسایل مستحدثه (یعنی مسائلی که در گذشته نبوده و بعداً پدید آمده) در فقه محسوب می‌شود و از آن‌جا که یکی از وظایف فقها و مراجع تقلید پاسخ‌گویی به استفتائات (استفتاء) یعنی آن‌چه مقلدان از ایشان پرسیده و فتوا خواسته‌اند است و در هر زمانی سوالات جدیدی مطرح می‌شود فقیه باید بتواند هر مسأله جدیدی را کاملاً بررسی کرده حکم مناسب با آن را به دست بیاورد.

در خصوص مسأله حیاتی تقلب! هم مراجع استفتائاتی از مراجع تقلید شده و این مسأله مورد دقت و بررسی قرار گرفته که ما هم مختصراً به آن اشاره می‌کنیم:

۱. در ابتدا بد نیست بدانید تقلب مصدر باب تفعّل از ریشه قلب است؛ این تعبیر خاص

تقلب از آنجا که نتیجه‌اش یک نوع جعل واقعیت و درس خوان جلوه دادن خود است می‌تواند مصداق این حرام قرار بگیرد؛ وقتی این عمل حرام شد منافعی که احتمالاً به‌خاطر این امتحان به فرد می‌رسد هم حق او نبوده و حرام است

«قلب» که در ادبیات فارسی هم به‌کار رفته به معنی چیز متحول شده و غیرواقعی و بدلی است. صائب تبریزی می‌فرماید: دادند به معشوق حقیقی دل و جان را یوسف به زر قلب خریدند عزیزان یعنی عاشقان راستین که دل به خداوند دادند بیش‌ترین سود را بردند زیرا هم یوسف را خریدند و هم در برابرش پول تقلبی و بی‌ارزش دادند.

استعمال لفظ تقلب در خصوص بحث ما شاید از این جهت است که فرد تقلب‌کننده برخلاف باطنش خود را فردی زحمت‌کشیده و درس‌خوانده‌جا می‌زند و از خود شخصیتی بدلی ارائه می‌دهد.

۲. تقلب، انواع و اقسامی دارد. البته ما قصد نداریم انواع شیوه‌های تقلب را آموزش بدهیم چون اولاً این کاره نیستیم. ثانیاً بدآموزی دارد و ثالثاً زیره به کرمان بردن است بلکه منظور انواع و اقسامی است که تقلب از جهت حکم شرعی پیدا می‌کند:

گاهی تقلب در یک امتحان ساده علمی است که فقط نشان‌دهنده سطح علمی ممتحن (فرد امتحان‌شونده) است و این امتحان نتیجه مستقیمی ندارد و موفقیت و عدم موفقیت فرد در این امتحان نفع و ضرری به دیگران نمی‌رساند مثل امتحانات هفتگی یا میان‌ترم

در آن‌جا ثبت نام کنید چون هر لحظه ممکن است از این خواب ناز بیدار شوید.

ثانیاً: تقلب کردن می‌تواند از مصادیق «کذب عملی» به حساب بیاید؛ هم‌چنان‌که می‌دانید دروغ یکی از گناهان کبیره است که دو نوع کلی دارد: کذب لسانی (یا همان دروغ زبانی) که اگر نگفته باشیم حتماً شنیده‌ایم و دیگری کذب عملی (یا دروغ رفتاری) که فرد با رفتار خودش خلاف واقع را به دیگران ارائه می‌دهد مثل همین کاری که بسیاری از فوتبالیست‌ها موقع زمین افتادن می‌کنند و به‌خاطر ضربه‌ای که به آن‌ها نخورده به‌ظاهر از درد به خود می‌پیچند در هر صورت هر دو نوع دروغ، حرام است و تقلب هم از آنجا که نتیجه‌اش یک نوع جعل واقعیت و درس‌خوان جلوه دادن خود است می‌تواند مصداق این حرام قرار بگیرد؛ همین‌جا عرض کنیم که وقتی این عمل حرام شد منافعی که احتمالاً به‌خاطر این امتحان به فرد می‌رسد هم حق او نبوده و حرام است مثلاً اگر جایزه‌ای به او تعلق بگیرد یا به‌واسطه آن امتحان استخدام شود و حقوق بگیرد بنابر فتوای بسیاری از مراجع حرام است مگر آن‌که صاحب‌کار از تقلب او مطلع شده با این‌حال او را استخدام کند.

ثالثاً: اگر فرد متقلب به‌خاطر قبولی‌اش یک سهم از سهمیه معین را به خود اختصاص دهد و دیگری را از رسیدن به این سهم باز دارد، واضح است که حق او را ضایع کرده و این عمل او حق الناس و ظلم در حق دیگری بوده که یقیناً حرام است.

۴. در همین‌جا اشاره‌ای هم به مسأله «تقلب دادن» بکنیم که واقعاً بدتر از تقلب کردن است چون هیچ نفعی به حال خود فرد ندارد و به قول معروف فرد تقلب دهنده «خسر الدنیا و الاخره» است وای به حال روزی که دستش رو شود و آتش نخورده و دهان سوخته شود؛ به‌هرحال:

تقلب دادن حداقل، اشکال اول تقلب کردن را دارد زیرا همان‌طور که تقلب کردن برخلاف قوانین و شرایط مراکز آموزشی است تقلب دادن هم همین‌طور اما اضافه بر آن تقلب دادن چون همکاری در انجام عمل خلاف دیگران است تحت عنوان فقهی «اعانة بر اثم» (یاری کردن در انجام گناه) قرار می‌گیرد که خود کاری حرام است.

البته با کمال تأسف بعضی‌ها این عمل را نوعی ایثار و همکاری تلقی می‌کنند که کاملاً فکر اشتباه و غلطی است و هیچ‌گاه نمی‌توان با کاری نادرست نتیجه‌ای درست گرفت...

امیدواریم همه عزیزان با برنامه‌ریزی درست و مطالعه منظم در امتحانات موفق باشند و کارشان به وادی «تقلب» کشیده نشود چون مطمئناً تقلب کردن، دیگر «یوسف به زر قلب خریدن» نیست...
یا علی!

در مدارس اما گاهی امتحان نتایج مستقیمی در پی دارد، مثلاً اعطای جایزه‌ای وابسته به کسب نمره مشخصی در این امتحان است یا قبولی در این امتحان شرط ورود به مرحله بالاتری تعیین شده.

صورت سوم هم این است که نتیجه امتحان هر فرد در وضعیت دیگران تأثیرگذار است یعنی اگر فردی نمره بالاتر را کسب کند یک سهم از سهمیه معین شده را به خود اختصاص می‌دهد در نتیجه سر دیگران بی‌کلاه می‌ماند مانند کنکور خودمان یا اکثر آزمون‌های استخدامی؛

به‌خوبی روشن است که احکام این صورت‌های مختلف متفاوت است اما حکم شرعی هر یک از این صورت‌ها چیست؟

۳. خیال همه دوستان را راحت کنیم که تقلب در همه اقسام و مواردش عملی غیر شرعی و حرام است به چند دلیل:

اولاً: تقلب برخلاف ضوابط و شرایطی است که فرد در هنگام ورود و ثبت نام در هر مجموعه آموزشی به‌صورت مشخص یا ضمنی به رعایت آن تعهد می‌دهد در نتیجه، تقلب در حکم تخلف از شرط است که حرام است بلکه در کشور ما که قوانین بر مبنای قواعد دولت اسلامی تنظیم شده، عدم رعایت هر قانونی و حتی قوانین آموزشی مدارس خلاف شرع محسوب می‌شود، مگر این‌که شما آموزشگاهی پیدا کنید که تقلب در آن مجاز باشد که پیشنهاد می‌دهیم هرچه زودتر